

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پاتریک کوبل - Von Patrik Köbele

برگردان از: جاوید

۲۲ جنوری ۲۰۱۶

## از دست دادن موضع طبقاتی



"روزا لوکزامبورگ" در "جزوه یونیوس" در باره شکست سوسیال دموکراسی نوشت: عمیق ترین سقوط . در

هیچ جا سازمان پرولتاریا به طور کامل در خدمت امپریالیسم قرار نگیرد به جز در المان

(عکس اگست ۱۹۰۷ در اشتوتگارت)

### از دست دادن موضع طبقاتی

روزا لوکزامبورگ ایده های خود را در "جزوه یونیوس" تحت عنوان بحران سوسیال دموکراسی "که عمده ترین بخش مورد مشاجره درک این مسأله یعنی تبدیل سوسیال دموکراسی انقلابی در یک حزب اصلاح طلب می باشد . آن چه او نوشت امروز هم مهم و با مفهوم است او روشن می سازد که یک جنگ امپریالیستی توسط عاملان آن هرگز چنین توجیه نمی گردد و روشن می سازد که جنگ منجر به چه خواهد شد . اگر سوسیالیست ها پس از آن در مورد ما صحبت کند و نه در مورد مواضع طبقاتی ما ، بنابراین یک بخش اساسی ماتریالیسم تاریخی باید دیگر کاربرد نداشته باشد .

او به استدلال فراکسیون پارلمانی سوسیال دموکرات ها به موافقت اعتبارات جنگی اشاره می کند که می گویند در حال حاضر ما با واقعیت جنگ مواجه هستیم .

وما را وحشت تهاجم دشمن تهدید می کند . ما نه برای جنگ و نه علیه جنگ امروز باید تصمیم بگیریم بلکه در مورد مسأله دفاع از کشور لازم را جست وجو کنیم .

برای مردم ما و آینده آزادشان پیروزی استبداد روسیه بسیار خطرناک است ، اگر همه چیز در معرض خطر قرار گیرد ما آن چه را در حقیقت همواره تأکید کرده ایم به واقعیت عمل خواهیم کرد :

"ما در وقت خطر هرگز به میهن پشت نخواهیم کرد".

ما خود را در هماهنگی بین المللی احساس می کنیم ، که حق تمام ملیت ها را در استقلال ملی و دفاع از خود را در هر زمان به رسمیت می شناسد . و ما نیز همانطور مطابق به آن هر جنگ اشغالگرانه را محکوم می کنیم . با رهنمون شدن به این اصول ما اعتبارات جنگی مورد نیاز را تصویب کردیم . "روزا لوکزامبورگ" می دانست که آن ها موقعیت طبقاتی خود را رها کرده اند . و این آن چیزی است که وی در موردش نوشت که نتیجه آن «عمیق ترین سقوط و نیرومند ترین فروپاشی» می باشد . و در هیچ جا (غیر از المان) سازمان پرولتاریا به طور کامل در خدمت امپریالیزم قرار نگرفت.

فاجعه بین المللی و فاجعه بین الملل دوم به این دلیل به میان آمد که سوسیال دموکراسی المان به عنوان خالص ترین تجسم سوسیالیزم مارکسیستی به شمار می آمد .

در حالی که در تاریخچه رهبری سوسیال دموکراسی اثری از مبارزه طبقاتی دیده نمی شد به همین سبب دلیل دومی که در مرکز تجزیه و تحلیل قرار می گیرد : تغییر رابطه رقابتی بین سرمایه می باشد .

انحصار به یک عنصر ساختاری تعیین سود گیری تبدیل شده است که برای اهداف و منافع خود مجموعه دولت را در خدمت گرفته است .

امپریالیزم به عنوان مرحله جدیدی از سرمایه داری به وجود آمده بود . انحصارات پیشتاز دولت آن برای مستعمرات می جنگیدند ، مناطق نفوذ ، بازار ها این ها پس زمینه های جنگ وحشیانه که از ۱۹۱۴ آغاز گردید می باشد .

به دور از دروغ های دفاع و به دور از حوادث ساخته و پرداخته شده جنگ و رویداد های آن ، در گیری های مسلحانه نشان از این ها دارد «شرم ، بی حرمتی ، در خون پای ماندن، آلوده به خاک و کثافات گشتن - چنین است وضع جامعه بورژوازی و حقیقتاً چنین است»

و اگر آن ها بدون عیب و متواضعانه و به درستی به نظم فرهنگی ، فلسفه ، و اخلاق نظم، صلح و حاکمیت قانون تظاهر می کنند ، اما در واقعیت به عنوان یک حیوان وحشی از بند رسته و در پی آن موجی از هرج و مرج و سم مرگبار برای فرهنگ و انسانیت تمام عربانی مخوف و چهره حقیقی شان ظاهر می شود .

در میان این الزامات مخفی و خوفناک ، در حال اجرای یک فاجعه تاریخی جهانی بودند : تسلیم سوسیال دموکراسی جهانی را به عمل می آورند .

## ورود به پارلمان تاريسم



در خواست حزب کمونیست المان از اعضایش : علیه سرمایه داری امپریالیستی وبا یک ستراتیژی انقلابی به تظاهرات بپردازید. (تظاهرات ضد جنگ در ۲۰۱۴ / ۲ / ۱۵ در شهر آخن المان همراه با نمایندگان حزب کمونیست بلجیم، لوکزامبورگ و حزب کمونیست هالند)

پشتیبانان و تصویب کنندگان مأموریت های جنگی به هر چیز دیگری نیز تصمیم می گیرند و آن نقطه بدون بازگشت محسوب می گردد. فراتر از این هیچ کثافت دیگری وجود ندارد که آن را اعطاء و چیزی خوب وانمود کنند - اگر چه مانند همیشه با کلمات چرب و نرم آن را توجیه کنند و این درس بزرگی است که باید از تصویب وام جنگی کشیده شود روزا لوکزامبورگ به همین مناسبت علل اصلی انتقال سوسیال دموکراسی به یک حزب جنگ را شناسائی کرد .

**اول :** سؤال تجزیه و تحلیل طبقاتی به خصوص در مورد مسأله ملی و ترک مواضع طبقاتی و در نتیجه گرایش به موقعیت ناسیونالیستی ، یعنی آتش بس یا به اصطلاح همبستگی با سرمایه و در نتیجه انتقال از تجزیه و تحلیل طبقاتی به همکاری اجتماعی .

**در مرحله دوم** نشناختن گذار از سرمایه داری به مرحله امپریالیستی آن وبه همین ترتیب رسیدن و تکامل المان به یک کشور امپریالیستی .

**ثالثاً** ورود به پارلمان تاريسم بورژوائی و وظیفه **چهارم** مستقل بودن (اتحادیه) سازمان کارمندان و طبقه کارگر

### متجاوز پوتین؟ متجاوز ایالات متحده امریکا؟

این تجزیه و تحلیل امروز نیز از اهمیت خاصی برخوردار است . بدون اتهام تهدید روس ها احتمالاً اعضای سوسیال دموکرات ها در اگست ۲۰۱۴ به ضرورت جنگ متقاعد نمی شدند . به عنوان یاد آوری گروه پارلمانی سوسیال دموکرات ها اظهار داشت که :

"ما در وقت خطر هرگز به میهن پشت نخواهیم کرد".

۱۰۰ سال بعد تر روح تزار و ترور ناشی از وی گویا در فرم "ولادیمیر پوتین" رئیس جمهور روسیه بازگشته است . رسانه های المانی این صدا ها را خشن ترفیادی می زنند ، که روسیه در برابر اوکراین یک متجاوز است . اگر در برابر این هیستری گسترده فرض کنیم که "ایوان مخوف" به زودی دوباره در کناره رود "البی" ایستاده است . با وجود این هیچ کس آن را باور نمی کند . در افکار عمومی این وضعیت واقعی و ارونه نشان داده می شود و با قاطعیت دروغ می گویند .

نیروهای جنبش صلح (وهم چنان ما کمونیست ها) با وجود این نمی خواهند و قادر نیستند تا نا رضایتی را با شعار های روشن و تجمع وسیع مردم به جاده ها بکشانند.

حزب چپ که مدت طولانی است با بردن سیاست بین مردم و در اجتماع وداع کرده است می خواهد کمی از نا رضایتی را بین مردم بکشاند تا تمرکز بهتر برای " تصاحب نمایندگی " در پارلمان پیدا کند .

این خلاء را دیگران پر می کنند . آن ها تا حدودی این نا رضایتی را انکار و آن را به شدت تحریف می کنند و یک تصویر بسیار ساده از امپریالیسم ارائه می کنند . بر این اساس هنوز هم هر شرارت بدون توجه که در کدام نقطه ای زمین مرتکب شده اند در آخرین تحلیل به فعالیت های مخرب ایالات متحده امریکا بر می گردد.

دولت المان نه به این خاطر که منافع خود را بی ملاحظه پیگیری می کند مورد انتقاد قرار نمی گیرد ، بلکه به این سبب مورد انتقاد قرار می گیرد که یک همکار مطیع و احمق قابل استفاده که همه و هر چیز را در مورد ایالات متحده امریکا انکار می کند .

شعار دروغین "المان مستعمره ایالات متحده امریکا" منتشر گردیده و هم چنین به صفوف حزب چپ رسیده است . تعداد جنگ در سراسر جهان هیچ گاه به این اندازه نبوده است . گسترش ناتو به سمت شرق و در اطراف روسیه و جنگ اقتصادی علیه روسیه و هم چنان محاصره جمهوری خلق چین از اقیانوس آرام چارچوبی را برای تشدید اوضاع فراهم کرده است .

یافتن برخی از کشور های تهاجمی که امکانات برای بسط نفوذ و قدرت خود جست و جو می کنند . کورس جنگی کشور عضو ناتو ترکیه در برابر جمعیت کرد های خودش و در برابر کشور همسایه اش سوریه و حمایت از سازمان تروریستی " دولت اسلامی" در این جا یکی از دلایل آن است .

اسرائیل برخوردار همیشه مرگبار خود را با فلسطینی ها تشدید می کند و فراتر از آن پایگاه های حزب الله سازمان شیعه های لبنان را که در کنار رئیس جمهور سوریه بشار اسد علیه دولت اسلامی می جنگد بمبارد می کند .

ارسال جدید سلاح های قوای مسلح المان در سوریه را هم در این جا باید طبقه بندی کرد . و فراموش نکنیم : که در حال حاضر بیشترین مردم در سراسر جهان مانند پایان جنگ عمومی دوم و نه کمتر از آن در حال فرار هستند . این وضعیت می تواند هر وقت دلیلی به دست کشور ها بدهد ، که بسیاری از جنگ های منطقه ئی را تشدید کنند .

بی توجهی برای تکامل و توسعه سرمایه داری به امپریالیسم و توسعه و تکامل المان به امپریالیسم پیشرو در اتحادیه اروپا پایه و اساسی است برای این منظور که اقدامات دولت فدرال المان به عنوان مشارکت المان برای نابودی سلاح های کیمیائی سوریه در بحر مدیترانه تا حدودی با ساده لوحی شروع گردیده است .

این ابتکار خلع سلاح نیست ، بلکه بیشتر در مورد افزایش تجربه در شرایط نظامی و مشارکت در چنین عملیاتی است . تفاوت ها ، تناقضات و شباهت ها و رقابت بین امپریالیست ها را ندیدن منجر به ارزیابی اشتباه آمیز می گردد .

با توجه به حملات متعددی از جانب ایالات متحده امریکا به حاکمیت المان و رقابت هر دو دولت امپریالیستی ، اگر در آن تردید شود ، منجر به آن خواهد شد که نقش مستقل المان اهمیت و خطر امپریالیسم المان را دست کم خواهیم گرفت .